



تضارب آرا؛ میراث مکتب رضوی / تأثیرات تمدنی حضور امام رضا در ایران

رجبی دوانی با بیان اینکه حضرت امام رضا(ع) همواره در مناظرات مختلف به اندیشه مخالفان احترام گذاشته و فضای مبتنی بر تضارب آرا در جامعه ایجاد کردند، گفت: سیره آن حضرت مبتنی بر آزاداندیشی بود.

رجبی دوانی با بیان اینکه حضرت امام رضا(ع) همواره در مناظرات مختلف به اندیشه مخالفان احترام گذاشته و فضای مبتنی بر تضارب آرا در جامعه ایجاد کردند، گفت: سیره آن حضرت مبتنی بر آزاداندیشی بود.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه - فاطمه فرامرزی: مهاجرت امام رضا(ع) با وجودی که به تحمیل مأمون، خلیفه عباسی اتفاق افتاد، اما سرمنشأ بسیاری از تحولات مثبت در جامعه ایران شد. این امر دلایل مختلفی داشت از جمله آنکه اولاً ایرانیان دوستدار اهل بیت بودند و در نتیجه با حضور حضرت علی ابن موسی الرضا(ع) در کشور خود سر از پای نمی شناختند و ثانیاً درایت و علم امام رضا(ع) به عنوان عالم آل محمد چنان شرایطی را پدید آورد که بزرگان جامعه آن زمان که در رأس آنها علما و اندیشمندان قرار داشتند هرکدام به این جایگاه والای امام(ع) اقرار کردند، در نتیجه تیر خلیفه از هر موضعی که فرود می آمد به سنگ اصابت می کرد و هرگز به سرمنزل مقصود شوم خود که همانا تضعیف جایگاه امام رضا(ع) در میان مردم بود نرسید تا جایی که آن ملعون نهایتاً تصمیم به آن گرفت که حضرت را از میان بردارد و به شهادت برساند.

در سالروز شهادت جانگداز حضرت ثامن الحجج(ع) بر آن شدیم برخی تأثیرات حضور آن امام همام در ایران و همچنین در بُعد گسترده تر بر امت اسلام را از نظر بگذرانیم. برای این منظور با محمدحسین رجبی دوانی، استاد تاریخ اسلام به گفت و گو نشستیم که در ادامه حاصل آن را می خوانید؛

* امام رضا(ع) با وجود اینکه به اجبار رهسپار دیار دیگر شده و عنوان ولایت عهدی را نیز بر اساس تحمیل خلیفه عباسی پذیرفتند، اما وجود مبارک شان سبب شد علم رنگ و بوی متفاوتی در میان امت اسلام پیدا کند. با توجه به این مسأله به نظرتان این حضور چه تأثیرات علمی را بر کاروان فکر و اندیشه جهان اسلام و به ویژه در ایران بر جای گذاشت؟

برای پاسخ به این پرسش مقدمه ای را بیان می کنم. وجود مقدس امام رضا(ع) نه تنها در میان شیعیان و خاصه ایرانیان، که در میان اهل تسنن نیز به عنوان یک شخصیت عظیم علمی و به عنوان عالم آل محمد شناخته شده است، که البته این تعبیر از زمان گذشته و دوره معصومین دیگر که قبل از حضرت می زیستند برای آن امام همام به کار برده می شد، اما در دوران امامت ثامن الحجج نمود و بروز دو صد چندان یافت.

امام رضا(ع) خود در این باره می فرماید: سال هایی که مدینه بودم بعد از ظهرها به مسجد النبی می آمدم و تا غروب آنجا بودم و انبوه علمای عامه گرد من جمع می شدند و معضلات فقهی خود را سوال می کردند. بنابراین حضرت تا زمانی که در مدینه حضور داشتند عمدتاً علاوه بر امامت به عنوان فقیه برجسته ای شناخته می شدند، اما هنگامی که مأمون حضرت را به مرو آورد، ذیل سلسله جلسات متعدد علمی و مناظراتی که ترتیب داده شد، ابعاد دیگر علمی از وجود امام رضا(ع) متبلور شد و حضرت با رفتار عالمانه و ارائه راه جدید در مباحث علمی، تضارب آرا و بحث های بین ادیان، از نظر علمی طرحی نو در انداختند که سبب دگرگونی و جهش جامعه علمی آن زمان شد.

در ایران مباحث عقلی و فلسفی بر خلاف سایر مناطق عالم اسلام تا زمان حمله مغول چراغ پرورزی داشت که این مهم از برکات روش امام رضا(ع) و میراث علمی آن حضرت است

این رویکرد علمی امام هشتم در سطح گسترده ای در جامعه نمود داشت، خاصه اینکه از تریبون دستگاه خلافت انتشار یافته بود، با وجودی که مأمون به اجبار حضرت را به دیار دیگر کوچانده بود، اما امام رضا(ع) آن چنان از این موقعیت استفاده کردند که در عالم اسلام بی سابقه بود و البته اگرچه در دوران امام صادق(ع) چنین مواردی نسبت به مباحث علمی وجود داشت، اما در آن شرایط و با توجه به ورود انواع و اقسام اندیشه های وارداتی این مسأله بی نظیر بود چراکه امام رضا(ع) به صورت علنی و رسمی راه را به سوی دانش پژوهان گشود.

از سوی دیگر باید توجه داشته باشیم که در ایران مباحث عقلی و فلسفی بر خلاف سایر مناطق عالم اسلام تا زمان حمله مغول چراغ پرورزی داشت که این مهم از برکات روش امام رضا(ع) و میراث علمی آن حضرت است. سوالات

فراوانی از وجود مقدس حضرت به صورت مکرر مطرح و ایشان به صورت مکتوب پاسخ می دادند که از این سوالات و جواب های حضرت کتاب هایی پدید آمد که مورد بهره برداری بسیاری از علما و دانش پژوهان مکتب اهل بیت قرار گرفت؛ علاوه بر آن شیخ صدوق نیز اطلاعات و اخباری را پیرامون وجود مقدس حضرت در عرصه علمی و معرفتی در قالب کتابی بسیار ارزشمند جمع آوری کرد که به «عیون اخبار الرضا» معروف است و مورد استفاده و بهره برداری پیروان مکتب اهل بیت قرار می گیرد.

بنابراین در یک نگاه اجمالی، امام رضا(ع) نه تنها برای شیعیان و به ویژه ایرانیان که برای جهان اسلام پایه گذار مکتبی علمی بودند که طی آن تعامل با دیگران جایگاه نخست را داشت.

*نوع نگاه حضرت، فارغ از اینکه امام جامعه اسلامی بودند، در مقام یک اندیشمند و عالم در مواجهه با صاحب نظران اندیشه های مختلف اعم از موافق و مخالف چگونه بود و اساساً یک اندیشمند چه طور می تواند از آن سیره برای امروز جامعه اسلام الگوبرداری کند؟

ببینید، گرچه ترتیب دهنده جلسات خود مأمون بود، اما حضرت از این وضعیت و مناظرات استقبال کردند و بدون تعصب و حساسیت با اندیشمندان و عالمان ادیان مختلف از جمله مسیحی، یهودی، زردشتی و همچنین سران فرقه های کلامی و فقهی غیر شیعه، با روی گشاده وارد مناظره و مباحثه شدند. این افراد سوالات و شبهه های مختلفی را در محضر امام رضا(ع) طرح کردند و حضرت به نحوی عالمانه و محکم پاسخ دادند و آنان را مبهوت قدرت علمی خود کردند.

شیخ صدوق نیز اطلاعات و اخباری را پیرامون وجود مقدس حضرت در عرصه علمی و معرفتی در قالب کتابی بسیار ارزشمند جمع آوری کرد که به «عیون اخبار الرضا» معروف است

می توان گفت حسن خلق، استماع صبورانه سخنان موافقان و مخالفان، ادله محکم، اشراف تام و تمام به علوم و تواضع امام رضا(ع) سبب شد تا فارغ از اینکه حضرت پیروز میدان مناظره شوند، الگویی برای دانشمندان آن زمان و البته اعصار آتی باشند. معتقدم امروز جامعه اسلامی و دانشمندان امت اسلام نیازمند این چنین دیدگاه و رویکردی هستند که در کنار یکدیگر بدون هرگونه پیش داوری و قضاوتی به پژوهش و مناظره بپردازند و گرهی از گره های جامعه اسلامی را بگشایند.

*اکنون قرن ها از حضور امام رضا(ع) در ایران می گذرد و آن چند صباح گرچه که کوتاه بود، اما آثار و برکات فراوانی برای ایرانیان داشت، به نظر شما به عنوان پژوهشگر تاریخ اسلام، حضور ثامن الحجج در ایران چه تأثیرات تمدنی ای داشت؟

قبل از پاسخ به این پرسش مقدمه ای را عنوان می کنم، ببینید اساساً نمی توان تمدن ایران بعد از اسلام را از تمدن مسلمانان جدا کرد، با ورود اسلام به ایران، کشور بخشی از دارالاسلام شد. توجه داشته باشیم که تمدن مسلمانان یکپارچه است و به ملیت و قومیت بر نمی گردد، اما همان طور که اشاره شد امام رضا(ع) با ورود خود به ایران ولو اینکه به اجبار هم بود سبب تغییرات و برکات متعددی شدند از جمله اینکه فضای بدون خوف و اختناق برای طرح آرا علمی فراهم آمد.

اوج تمدنی که مسلمانان بعد از اسلام به خود دیده اند در عصر دو دولت ارزشمند شیعی آل بویه و فاطمیان بوده است یعنی کاری که امام رضا(ع) و پدران بزرگوارش و فرزندان طیبین و طاهرینش کردند باعث شد شیعه وقتی قدرت سیاسی به دستش رسید حرف اول را در تمدن بشری بزند، بنابراین نه تنها اوج تمدن مسلمانان در قرون چهارم و پنجم هجری نمایان شد بلکه اوج تمدن بشری را در این ادوار شاهدیم به این معنا که هیچ جای دیگری از عالم از نظر تمدن و پیشرفت به پای کارهایی که مسلمانان و دولت های شیعه در این قرون به ثمر رساندند نمی رسد

همین مسأله سبب پیشرفت دانش اندوزی و رشد عرضه آثار علمی شد و ما می دانیم هر تمدنی که می خواهد درخششی داشته باشد، باید در عرصه های علمی خود را نشان دهد، یعنی به جز جنبه های سخت افزاری در عرصه های نرم افزاری نیز حرفی برای گفتن داشته باشد و این مهم میسر نمی شود مگر با مجاهده علمی که در زمان امام رضا(ع) این مسأله در ایران به شدت و حدت قابل توجهی رواج یافت و مورد تقلید و پیروی دوستداران اهل بیت قرار گرفت و چنان آثاری بر جای نهاد که بعد از آنکه مأمون پایتخت را به بغداد منتقل کرد، ذیل همین تأثیرات مثبت اقدام به تأسیس دارالحکمه کرد. او که خود اهل علم بود مقهور دانش بی کران امام رضا(ع) شد و بعد از شهادت امام(ع) این مرکز را بنیان گذاشت تا علوم مختلف از زبان های دیگر به زبان عربی ترجمه شوند.

اما تأثیر حضور امام رضا(ع) در ایران محدود به آن دوران نمی شود، کما اینکه می بینیم در حدود صد و بیست سال بعد از شهادت امام رضا(ع) شیعه در ایران و عراق امروز و همچنین در مصر و شام قدرت پیدا می کند، در ایران امروز دولت شیعی «آل بویه» و در مصر دولت «فاطمیان» که البته آنها شیعیان شش امامی بودند به قدرت رسیدند. اوج تمدنی که مسلمانان بعد از اسلام به خود دیده اند در عصر همین دو دولت ارزشمند شیعی بوده است یعنی کاری که امام رضا(ع) و پدران بزرگوارش و فرزندان طیبین و طاهرینش کردند باعث شد شیعه وقتی قدرت سیاسی به دستش رسید حرف اول را در تمدن بشری بزند، بنابراین نه تنها اوج تمدن مسلمانان در قرون چهارم و پنجم هجری نمایان شد، بلکه اوج تمدن بشری را در این ادوار شاهدیم به این معنا که هیچ جای دیگری از عالم از نظر تمدن و پیشرفت به پای کارهایی که مسلمانان و دولت های شیعه در این قرون به ثمر رساندند، نمی رسد.

شیعه بر مبنای تعالیم امامان خود به ویژه امام رضا(ع) فضایی را برای تضارب آرا و بیان دیدگاه های علمی بدون خوف از دستگاه حکومتی فراهم آورد که در نتیجه این رویکرد پیشرفت های عظیم علمی حاصل شد و دانشمندان بزرگی نظیر ابن سینا، ابوریحان بیرونی، رازی، علمایی چون شیخ صدوق، سید مرتضی، سید رضی در دوران دولت ارزشمند شیعی آل بویه پدید آمدند و تمدن مسلمانان و به ویژه ایرانیان را با تاسی به آن امام همام به اوج رساندند.

*این تبلور تمدنی که بر محور حضرت علی بن موسی الرضا(ع) در ایران پدید آمد، در دوره کنونی در چه قامتی خودنمایی کرده است؟

در عصر ما نظام مقدس ولایت فقیه حاکم شده است و انشاء الله بتوانیم بر طبق نوید مقام معظم رهبری، تمدن نوین اسلامی را ایجاد کرده و با همت و باور به اهداف خود برسیم. اساساً شیعه با پیروی از ائمه اطهار(ع) آزاداندیش و عقل گرا است و به مباحث عقلی و علمی و معرفتی بها داده در نتیجه در هر دوره ای که قدرت در دستانش بوده پله های ترقی را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشته است، امروز نیز چنین است، این کشور محل حضور امام رضا(ع) بود که به عالم آل محمد معروف است. امامی که بارگاه مطهرش در مشهد مقدس است و میراث گرانبهایش تا به امروز در دستان ماست.

در روزگار کنونی با استعانت و توسل به آن امام همام و در دوره ای که یک دولت شیعی روی کار است، باید به گونه ای عمل کنیم که با تبعیت از ولایت زمینه سازی برای تحقق تمدن نوین اسلامی را فراهم کنیم تا زمینه ظهور منجی عالم بشریت فراهم شود. معتقدم وظیفه امروز ما این است.

*بین مباحثی که مطرح کردید اشاره به اجماع میان مسلمین و حضور فرقه های مختلف اسلامی در کنار یکدیگر داشتید که در کمال مسالمت با هم مراودات علمی داشتند. این رویکرد در دوره امام رضا(ع) نمونه کاملی از وحدت در جامعه مسلمین است. به نظرتان امروز با نگاهی به سیره امام رضا(ع) که سبب شکل گیری اتحاد در جامعه مسلمانان شد، چگونه می توانیم از بُعد نخبگانی زمینه ساز یک وحدت حداقل نسبی در میان مسلمانان باشیم؟

ائمه ما با این که جایگاه ولایت و امامت متعلق به آنان بود و هرکس دیگری که در دوران حیات آن بزرگواران بر زعامت مسلمین تکیه زد غاصب تلقی می شد، اما همواره بالاترین مصلحتی که برای حفظ دین در هر شرایطی مد نظر قرار می دادند وحدت و جلوگیری از تفرقه در جامعه اسلامی بود. در واقع به امر وحدت مسلمانان بسیار توجه می دادند، کما اینکه اشاره داشتیم که امام رضا(ع) در ارتباط با عالمان و فقهای اهل تسنن هم احساس مسئولیت می کند و زمانی که می بیند آنها در برخی مسائل فقهی درمانده شدند، وقت فراوانی گذاشته به سوالات شان پاسخ می دهد.

بنابراین ما در سیره ائمه(ع) این مهم را به وفور شاهدیم که در عین اینکه پیروان خود را رهنمون می شدند برای جلوگیری از ایجاد تشتت در جامعه و اینکه مسلمانان به جان یکدیگر نیفتند و اختلافی میان شان پدید نیاید همواره در امر وحدت آموزه های ارزشمندی داشتند.

از نظر من نخبگان باید این رویکرد علی بن موسی الرضا(ع) را نصب العین خود قرار دهند و با تکیه بر این روش یعنی تعامل علمی به دور از هرگونه تعصب در تعالی جامعه اسلامی کوشا باشند.